

بررسی تأثیر آموزش بر اشتغال زنان با تأکید بر ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۱/۲۹

دکتر پروانه عزیزی* (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار)
 رزا آذرکمند^۱ (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار)

چکیده

انسان به عنوان محور توسعه پایدار است. بررسی های صاحب نظران جامعه شناسی نشان می دهد جامعه ای می تواند توسعه یابد که همه افراد آن جامعه ظرفیت توسعه پذیری را داشته باشند و روش های مناسبی برای حصول توسعه پایدار بیابند، تحقق این موضوع تنها زمانی امکان پذیر است که زنان یک جامعه به عنوان نیمی از نیروی انسانی در روند توسعه، جایگاه خود را داشته باشند. بررسی قانون اساسی و سایر قوانین جمهوری اسلامی ایران که متأثر از اندیشه های امام خمینی (ره) است نشان می دهد پس از وقوع انقلاب اسلامی، زمینه های ممتازی برای زنان ایرانی جهت ایفای نقش کلیدی خود در توسعه پایدار کشور و انجام فعالیت های مختلف آموزشی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی علاوه بر نقش محوری خود در بستر خانواده تعیین شده است و موانع مشارکت کامل زنان و استفاده آنان از مزایای توسعه به عوامل پنهان اجتماعی - فرهنگی سنتی ویژه ای مربوط می شود که با گذر زمان و فعالیت های مستمر زنان در حال از بین رفتن است. این پژوهش با استفاده از روش میدانی و اسنادی به تحلیل و بررسی وضعیت آموزش و اشتغال زنان به عنوان عنصری مهم در ایجاد و پیشرفت تمدن پرداخته است و در نهایت نتایج و پیشنهاداتی که حاصل این پژوهش بوده ارائه میشود.

واژه های کلیدی

زنان، اشتغال، آموزش، ایران

* نویسنده رابط

^۱ www.rozaazarkamand@yahoo.com

مقدمه

بر مبنای اطلاعات منتشره از طرف سازمان ملل متحد، در حالی که بخش بزرگی از زنان باسوادند و بسیاری از آنان رده های بالایی در امور سیاسی دارند، تعداد بی شماری از زنان بسیار محروم تر از قبل شده اند، حقوق بشر در مورد زنان در مقیاسی باور نکردنی نقض شده در حالی که در برخی زمینه ها طی ۲ دهه گذشته پیشرفت هایی حاصل شده ولی عقب رفت هایی در زمینه های مختلف مربوط به زنان نیز به وقوع پیوسته است. طی ۲۰ سال گذشته نابرابری میان زنان و مردان، کشورهای شمال و جنوب، روستایی و شهری، غنی و فقیر هم چنان متوجه زنان است. در حالی که در سطح خواص که اقلیت محدودی از جامعه را شامل می شود، پیشرفت هایی صورت گرفته ولی در تمام سطوح جامعه خصوصاً در سطح توده ها پیشرفت محسوسی دیده نشده است.

هنوز $\frac{2}{3}$ بی سوادان جهان را زنان تشکیل می دهند و آهنگ باسواد شدن آنها کندتر از مردان است. در حالی که آثار بی سوادی زنان بر رشد و توسعه جوامع غیر قابل اجتناب است ولی به این بعد قضیه کمتر توجه می شود.

تبعیض در زمینه وضع بهداشت زنان و مردان هم چنان مشهود است. به گفته صندوق کودکان ملل متحد یونیسف هر سال دست کم نیم میلیون زن در سراسر جهان بر اثر مشکلات مربوط به بارداری و صدها هزار زن دیگر به خاطر سقط جنین نادرست جان خود را از دست می دهند. این در حالی است که طی دو دهه گذشته پیشرفت زنان در عرصه اقتصادی نیز محدود بوده است: در حالی که زنان ۴۱ درصد جمعیت کارگران تمام کشورهای توسعه یافته و ۳۴ درصد کارگران سراسر جهان را تشکیل می دهند، اما با این که فاصله دست مزد ممکن است تا حدی کاهش یافته باشد، زنان هنوز به طور متوسط ۳۰ تا ۴۰ درصد برای شغل مشابه کمتر از مردان مزد دریافت می کنند (برخی آمارها این مقدار را بین ۵۰ تا ۸۰ درصد عنوان می کنند). این در حالی است که تعداد زنان در مشاغل کم درآمد بسیار بیشتر از مردان است. با توجه به این که زنان در زمان استخدام در اولویت های بعد از مردان قرار می گیرند، در هنگام بحران های اقتصادی که نتایج غیر قابل اجتناب تعدیل نیروی کار را دارد، در اولویت از دست دادن مشاغل خود هستند (کدیور، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹).

در بسیاری از کشورها زنان هنوز در بخش غیررسمی با شرایط نا امن و خطرناک کار می کنند. زمانی هم که در بخش رسمی مشغول به فعالیت می شوند، تمایل به تمرکز در مشاغل ساده

دارند. کارهای دفتری، خدمات خانگی، کارهای با حقوق اندک... در حالی که ساعت کار زنان بیشتر از مردان است ولی آنچه که زنان انجام می دهند یا بی ارزش و یا کم ارزش تلقی می شود. در سطح جهانی زنان بین ۱۰ تا ۳۰ درصد پست های مدیریتی و کمتر از ۵ درصد پست های بسیار بالا را اشتغال کرده اند. براساس اطلاعات منتشره مربوط به سال ۱۹۹۴ در وزارت خانه های اقتصادی از جمله تجارت، اقتصاد، برنامه و بودجه و بانک های مرکزی و تأمین اعتبار زنان فقط ۳/۶ درصد پست ها را اشتغال کرده اند؛ این در حالی است که در ۱۴۴ کشور ابداً هیچ زنی در این زمینه ها شاغل نیست.

فقر از دیگر حوزه هایی است که طی ۲ دهه گذشته وضعیت زنان را به مراتب بغرنج تر از سابق کرده است. این فقر بعضاً سبب مرگ میلیون ها دختر و زن خصوصاً در سنین بالاتر عمر می شود. یکی از ابعاد فقر گسترده جهانی، افزایش خانواده هایی است که زنان سرپرستی آن ها را بر عهده می گیرند. در عرصه سیاست نیز وضع بهتر از آنچه که در حوزه های دیگر گفته شد نیست. دست رسی زنان به قدرت سیاسی و اقتصادی متناسب با نفوذ آنها در سایر حوزه های زندگی نیست. در حقیقت زنان در عرصه های تصمیم گیری چه در سطوح ملی و چه بین المللی اقلیت هایی قابل چشم پوشی را تشکیل می دهند. سهم زنان در پارلمان های جهانی از ۱۲/۵ درصد در سال ۱۹۷۵ به ۱۰/۱ درصد در سال ۱۹۹۳ کاهش یافت. در سال ۱۹۹۴ به طور متوسط فقط ۵/۷ درصد اعضای کابینه ها زن بودند. این در حالی است که بیش از نیمی از ۲۵ کشوری که در آن ها زنان در سطح وزارت یا زیر مجموعه وزارت حضور ندارند در آسیا و اقیانوسیه قرار گرفته بودند، هم چنین نزدیک به ۱۰۰ کشور جهان زنان در پارلمان شان حضور ندارد، در بقیه نیز متناسب با تعداد زنان جامعه نیست.

اهداف تحقیق

- بررسی وضعیت اشتغال زنان در جهان و ایران.
- مقایسه وضعیت اشتغال زنان در کشورهای صنعتی و در حال توسعه.
- بررسی وضعیت آموزشی زنان در جهان و ایران.
- بررسی میزان تأثیر تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی بر آموزش زنان در ایران.

روش تحقیق

در این پژوهش از دو روش همزمان استفاده می شود :

- ۱- روش اسنادی : بررسی آمارهای موجود و اطلاعات مربوط به آموزش و اشتغال زنان .
- ۲- روش میدانی (field Study research method) : در این روش موقعیت زنان در ایران از لحاظ آموزشی و اشتغال وهم چنین تأثیر تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی مورد بررسی های تطبیقی قرار می گیرد .

نگاهی به اشتغال زنان در جهان

براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی، زنان به طور متوسط دو برابر ساعت کار مردان در شبانه روز کار می کنند . در کشورهای جهان سوم زنان به طور متوسط ۱۲ تا ۱۸ ساعت و مردان ۸ تا ۱۲ ساعت کار می کنند. در جامعه جهانی فقط کاری کار شمرده می شود که به صورت مستقیم منجر به کسب درآمد پولی شود ؛ از همین رو درآمارهای دولتی اکثر زنان بیکار تلقی می شوند و درصد اندکی از زنان جزء نیروهای مولد و شاغل محسوب می شوند .

طبیعت نامرئی کار زنان منجر به این دید شده که زنان نه فقط عنصری مولد نیستند ، بلکه سربار و وابسته به خانواده اند . بر طبق آمار سازمان ملل تنها ارزش کارهای خانه که بدون مزد انجام می شود ، بین ۱۰ تا ۳۵ درصد تولید ناخالص در سراسر جهان است . در اغلب کشورها زنان تقریباً دو برابر کار بدون مزد را نسبت به مردان انجام می دهند . در حالی که بسیاری از زنان به ظاهر شاغل اند ولی تعداد ایشان به عنوان تصمیم گیرندگان اقتصادی در مقایسه با مردان بسیار کم است .

تعداد زیادی از کارگران زن در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند ، حدود $\frac{2}{3}$ آنان در بخش کشاورزی اشتغال دارند . از سوی دیگر در کشورهای صنعتی دارای اقتصاد بازار ، $\frac{2}{3}$ زنان در بخش خدمات ، $\frac{1}{4}$ در بخش صنعت و کمتر از $\frac{1}{10}$ در بخش کشاورزی کار می کنند . در کشورهای صنعتی دارای اقتصاد برنامه ای ، $\frac{1}{5}$ زنان کارگر در بخش کشاورزی شاغل بوده و بقیه در بخش صنعت و خدمات مشغول به کار می باشند. محدود کردن زنان به کم درآمدترین بخش های کاری داستانی آشناست و بسیاری زنان در مشاغل پایین تر متمرکز شده اند (فینگرز، ۱۳۸۴).

به طور کلی در طول سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ در سراسر جهان سهم مشارکت زنان در بخش کشاورزی کاهش یافته است در حالیکه مشارکت آنان در بخش خدمات ، افزایش داشته است . این تغییرات در کشورهای صنعتی دارای اقتصاد برنامه ای ، چشمگیر بوده است. از طرف دیگر در کشورهای در حال توسعه تعداد کارگران زن در بخش صنعت دو برابر شده است و در کشورهای صنعتی دارای اقتصاد برنامه ای ، تعداد آنان به طور مداوم افزایش داشته است ، در حالی که در کشورهای صنعتی دارای اقتصاد بازار تقریباً تغییری رخ نداده است (علویون ، ۱۳۸۱) .

وقتی قضیه مشارکت سیاسی زنان مطرح می شود می بینیم که آمریکا خیلی عقب تر از کشورهای توسعه یافته و حتی کشورهای در حال توسعه قرار می گیرد . این در حالی است که روند دمکراتیک کردن در شرق اروپا کاهش چشمگیر زنان در مجالس مقننه را به همراه داشته است : ۱۷ درصد در روسیه ، ۶ درصد در چکسلواکی ، ۷ درصد در مجارستان ، ۳/۵ درصد در رومانی ... این حقیقت، زنان اروپای شرقی را بر آن داشته که از « دمکراسی مردانه » و « دمکراتیک کردن با سیمای مردانه » سخن گویند.

فقط ۸ کشور از اعضای سازمان ملل نماینده دائمی زن دارند. این در حالی است که تا ژانویه ۱۹۹۴ ، ۷ هیأت از ۱۱۶ هیأت دائمی سازمان ملل به ریاست زنان بوده است و از ۲۴۰ هیأت در سطح سفیر فقط ۱۱ سفیر زن بوده و در هیأت های دائمی ۶۷ دولت عضو سازمان ملل اصلاً زن وجود نداشته است. (کدیور، ۱۳۸۱، ۱۱۱) .

کشورهای صنعتی

مشارکت زنان در نیروی کار در طی دهه های اخیر در کشورهای صنعتی افزایش یافته است . در سال ۱۹۸۵ میانگین تعداد زنان شاغل حدود ۴۰ درصد کل نیروی کار بوده که بخش قابل ملاحظه ای از آنان به صورت نیمه وقت به کار مشغول بوده اند. در بخش کشاورزی در طول چند دهه گذشته تعداد کارگران به طور قابل توجهی تنزل یافته است. کارگران کشاورز بدون زمین که اکثر زنان در این گروه قرار دارند، در برخی از این کشورها با مشکلات فراوان روبه رو بوده و در زیر خط فقر قرار دارند. در تعدادی از کشورها نظیر دانمارک ، بلژیک ، انگلستان ، فرانسه و ایرلند، مدت کار هفتگی زنان کشاورز فاقد دستمزد برابر با مدت کار کارگران تمام وقت در کارخانه ها یا ادارات

می باشد. در صورتی که مدت زمان کار در خانه نیز مورد محاسبه قرار گیرد می توان نتیجه گرفت که برخی از این زنان در هفته بیش از هفتاد ساعت کار می کنند. ضمن آنکه زنان به عنوان دستیاران قابل دسترس همیشه آماده انجام کارهای مختلف می باشند.

در بخش صنعت در سال ۱۹۸۰ زنان حدود یک چهارم نیروی کار صنعتی را تشکیل می دادند. قبلاً بیشتر زنان در صنایع کاربر مانند نساجی، خیاطی و تهیه فرآورده های غذایی کار می کردند ولی هم اکنون به دلیل پیشرفت تکنولوژی و به علت محدودیت هایی که در این مشاغل برای آنان به وجود آمده است، فرصت های شغلی کمتری دارند و در مقابل روز به روز بیش تر به سوی کار در صنایع سرمایه بر مانند صنایع الکترونیک روی آورده اند.

در برخی از بخش ها، آشنایی با اطلاعات مربوط به تکنولوژی تأثیر بر فرصت های شغلی مردان و زنان گذاشته است. در کشور کانادا، یک تحقیق در بخش بانک داری نشان داده است که تعلیم کاربرد رایانه و مائین حساب نتیجه منفی بر روی فرصت های شغلی آینده مردان و زنان داشته است البته مشاغل حذف شده مشخص نمی باشند. هم چنین مطالعه دیگری در ایالات متحده آمریکا الگوی مشابهی را نشان می دهد. استفاده از تکنولوژی جدید غالباً موجب می شود تا شرکت ها کارشان را توسعه بخشند ولی مطالعات فوق نشان دهنده آن است که اشتغال با این توسعه همگام نبوده است.

در کشورهای صنعتی بیش از دو سوم کارگران زن در بخش خدمات کار می کنند. آنها در مشاغل خاصی به عنوان خدومه خانگی، فروشنده، پرستار و معلم (خصوصاً در دوره ابتدایی) متمرکز شده اند. هم چنین بخش های بانک داری، هتل داری و جهانگردی زنان زیادی را جذب کار نموده اند. البته این احتمال وجود دارد که پیشرفت تکنولوژی به پاره ای از مشاغل زنان در بخش خدمات آسیب وارد سازد.

در طول دهه ۱۹۸۰ زنان به مشاغل بخش دولتی دسترسی بیشتری پیدا کرده اند. قوانین و مقررات، آئین نامه ها و دستورالعمل ها و اقدامات حمایتی (تبعیض مثبت) نظیر روش سهمیه بندی در افزایش حضور زنان در بخش عمومی مؤثر بوده است. با این حال در مشاغل و پست های عالی از لحاظ تعداد، فاصله زیادی بین زنان و مردان وجود دارد. برای مثال در سال ۱۹۸۵ در ایالات متحده آمریکا، زنان که تقریباً نیمی از مستخدمان دولت را تشکیل می دادند، فقط حدود ۶/۲ درصد از پست های عالی را در اختیار داشته اند. (Reynolds; ۱۹۸۸: p ۲۱۱).

آمار نشان می دهد به طور کلی در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری و اقتصادی (OECD) نرخ اشتغال زنان افزایش پیدا کرده است اما ساختار اشتغال زنان به میزان اندکی تغییر یافته است. در این کشورها زنان شاغل تقریباً در تعداد محدودی از مشاغل متمرکز شده اند. این مشاغل به مهارت کمی نیاز داشته و سطح دست مزد آنها پایین می باشد. این وضعیت به واسطه رکود اقتصادی تشدید یافته است.

غالباً در دوره های متناوب فعالیت اقتصادی و رکود اقتصادی، تغییرات زندگی شغلی زنان نسبت به مردان بیشتر قابل تشخیص و تمیز است اگر چه اخیراً ثبات بیشتری حاکم شده است. امروزه زنان مخصوصاً زنان جوان با تنوع بیشتری به کار اشتغال دارند و دوران اشتغال آنها طولانی تر است. افزایش سریع مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی نتیجه مستقیم و بی واسطه تحولات اجتماعی و اقتصادی است که در طی چند دهه گذشته در این کشورها رخ داده است. امروزه با وجود رکود اقتصادی، آنها از حق کار خود صرف نظر نکرده اند.

این نکته را می توان از شمار زیاد زنانی که به عنوان بیکار در مراکز کاریابی ثبت نام نموده اند، استنباط کرد. سیاست های ملی مبتنی بر کاهش مخارج دولتی به طور خاص بر وضعیت زنان مشاغل تأثیر می گذارد به ویژه این که تعداد زنان در این بخش بیشتر است. اختراعات فنی و گسترش استفاده از ماشین های خودکار در بخش دولتی و سایر بخش ها، مهارت ها و تخصص های جدید را طلب می کنند و این امر یک تهدید برای مشاغلی است که عمدتاً توسط زنان انجام می شوند.

پیشرفت های اخیر، جامعه زنان (خصوصاً زنان جوان) را به سوی شکل های خاصی از کار سوق می دهد و همین امر باعث ایجاد شرایط تبعیض آمیز می شود (Brocas, ۱۹۹۰; p۲۱) به طور کلی در شغل های پاره وقت و موقتی و کارهای خانگی امکان اندکی برای پیشرفت وجود دارد. در این نوع مشاغل زنان شاغل غالباً با مشکل بیکاری مواجه می شوند و عموماً از روند اصلی بازار کار دور می مانند.

جدول شماره ۱: توزیع نیروی کار جهان به تفکیک جنس و نوع فعالیت بر حسب درصد

جمع	کشاورزی		صنعت		خدمات		
	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۸۰	
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۷۳/۶	۶۶/۳	۱۲/۵	۱۶/۳	۱۳/۹	زن ۱۷/۴
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۶۲/۸	۵۵/۷	۱۷/۷	۲۱/۶	۱۹/۵	مرد ۲۲/۷
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۱/۴	۷/۷	۲۵/۴	۲۵/۸	۶۳/۲	زن ۶۶/۵
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۲/۰	۸/۵	۴۴/۶	۴۵/۶	۴۳/۴	مرد ۴۵/۶
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۳۱/۷	۲۱/۵	۲۹/۶	۳۳/۱	۳۸/۶	زن ۴۵/۴
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۷/۷	۱۹/۴	۴۴/۲	۵۰/۳	۲۸/۱	مرد ۳۰/۳
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۵۴/۳	۴۷/۸	۱۷/۹	۲۰/۸	۲۷/۸	زن ۳۱/۴
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۴۹/۵	۴۳/۵	۲۵/۷	۲۸/۸	۲۵/۱	مرد ۲۷/۷

مأخذ: World labor report, ۱۹۸۵

کشورهای در حال توسعه

در کشورهای در حال توسعه بیشتر جمعیت در مناطق روستایی زندگی می کنند. در این مناطق زنان به فعالیت های مختلف کشاورزی اشتغال دارند. به علاوه کارهایی نظیر آماده کردن و بسته بندی محصولات کشاورزی، تهیه و فروش این محصولات بر عهده زنان است و این کارها در خانه توسط آنها انجام می گیرند در حالیکه این گروه از زنان از هر گونه حمایت اجتماعی محروم هستند. در طول سه دهه اخیر بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه دچار تحولات بسیاری گردیده است و به شکل های مختلف بر روی اشتغال زنان و مردان روستایی تأثیر عمیقی به جای گذاشته است. آشنایی با فن آوری جدید و تغییر در ساختار تقسیم اراضی، افزایش تولید و رشد نابرابری در مناطق روستایی، تحرک و جابجایی زیادی را در مشاغل سنتی زنان ایجاد کرده و توانایی و ظرفیت شغلی آنها را در برخی از کارهای کشاورزی افزایش داده است. هم چنین در بسیاری از کشورهای در حال توسعه کارفرمایان ترجیح می دهند زنان جوان مجرد (گروه سنی ۲۰-۲۵ ساله را استخدام کنند. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که این رجحان بیش از آنکه به دلیل ضرورت های شغلی

باشد، ناشی از برداشت های اجتماعی آنان است. چنین تصور می شود که زنان در برخی از کارهای زنجیره ای مهارت، چابکی و تحمل زیادی دارند.

استفاده از این مهارت و چابکی در صنایع قدیم مانند لباس دوزی و در صنایع جدید نظیر کارهای الکترونیکی بیشتر معمول است. هم چنین این تصور وجود دارد که کارگران زن بیشتر از کارگران مرد در کارها منظم و مطیع بوده و حاضر به قبول دستمزد کم می باشند. در برخی موارد نیز مشاهده شده که دختران کارگر پس از رسیدن به سن قانونی که استحقاق دریافت دست مزد کارگران بزرگسال را دارند، از کار اخراج شده اند.

واقعیت این است که زنان در صنایع زنانه سنتی و مشاغل با مهارت کم متمرکز شده اند و همین امر پیشرفت آنان را به تأخیر می اندازد و باعث بیکاری طولانی مدت زنان در دوره های بازسازی اقتصادی و صنعتی می شود. علاوه بر اینکه در صنایع زنانه نظیر نساجی، دوزندگی، الکترونیک، صنایع غذایی و نوشیدنی معمولاً دست مزد کمتری پرداخت می شود.

در کشورهای در حال توسعه، برخی زنان به سبب فقدان مهارت و تخصص مجبور می شوند تا به عنوان خدمه خانگی جویای کار شوند. حرفه ای که در آن غالباً مورد استثمار قرار می گیرند، دست مزد پائینی به این زنان پیشنهاد می شود و ساعت کار طولانی و نامعین است ضمن آنکه مرخصی با حقوق و سایر مزایای اجتماعی وجود ندارد. حرفه های دیگری نظیر پیش خدمتی و تصدی قسمت پذیرش هتل ها که زنان به میل خود آنها را انتخاب می کنند، معمولاً خارج از شمول مقررات کار می باشد.

در کشورهای مختلف شمار زنان شاغل در بخش های اداری و تجاری متفاوت است. در کشورهای در حال توسعه با وجود اینکه مشاغل منشی گری و معلمی هنوز از جمله گروه های شغلی است که در آنها مردان و زنان با هم به کار اشتغال دارند، اما گرایش غالب در جهت زنانه شدن این مشاغل است. این موضوع در آسیا در مورد معلمان پایه یک و در آفریقا درباره معلمان پایه دوم صادق است، به طوری که در بین سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ نسبت زنان شاغل در این مشاغل از ۲۲ به ۲۹ درصد (در قاره آسیا) و از ۲۵ به ۳۳ درصد (در قاره آفریقا) افزایش یافته است (علویون، ۱۳۸۱، ص ۳۷).

نگاهی به وضعیت آموزش زنان در جهان

پایین بودن میزان سواد و دانش فنی و تحصیلات عالی زنان همواره به عنوان مانعی جدی در سر راه دست یابی زنان به اشتغال به ویژه در بخش خصوصی و بخش مدرن شهری مطرح است و زنانی موفق به تصدی شغل می شوند که از میزان سواد بالاتری نسبت به مردان برخوردار باشند. در اکثر کشورها تعداد دانش آموزان دختر کمتر از دانش آموزان پسر می باشند. سهم آموزش های فنی و حرفه ای زنان به جز برخی رشته ها مانند آرایشگری و خیاطی، در حداقل ممکن قرار دارد و نسبت دانشجویان دختر به مراتب کمتر از دانشجویان پسر می باشد.

بر اساس تحقیقاتی که سازمان یونسکو در اوایل دهه ۱۹۶۰ درباره ۱۱۸ کشور جهان انجام داده است. کلیه کشورهای مزبور طبق قوانین خود (به جز در برخی رشته های آموزشی نظیر آموزش حرفه ای) به دختران فرصت های آموزشی مساوی با پسران داده اند ولی در عمل این گونه نبوده و تعداد دانش آموزان دختر و پسر به هیچ وجه با هم یکسان نمی باشد. آمار سازمان یونسکو در سالهای ۶۷-۱۹۶۶ نشان می دهد که در جهان نسبت تعداد دختران دانش آموز در مقابل پسران در مدارس ابتدایی ۴۴ درصد و در مدارس متوسطه ۴۳ و در دانشگاه ها ۳۶ درصد تعداد پسران بوده است. در اینجایان پرسش مطرح می شود که با وجود تصویب قوانین مربوط به عدم تبعیض آموزشی، آیا نابرابری تعداد دانش آموزان پس و دختر به تنهایی می تواند نشانه اعمال تبعیض از سوی دولت ها باشد؟ درست مثل اینکه می گوئیم آیا صرفاً با از بین رفتن محدودیت های قانونی، آزادی تحقق می یابد؟ آزادی فقط وقتی به وجود می آید که شرایط و محیط، حیات و بقای آن را ایجاد کند.

در زمینه تبعیض آموزشی علیه زنان نیز باید گفت در صورتی که در قوانین محدودیتی برای زنان مقرر نشده باشد تبعیضی وجود نخواهد داشت و اگر در عمل موارد نابرابری بین حقوق زنان و مردان در زمینه آموزش وجود دارد این امر به خودی خود نباید تبعیض از سوی دولت تلقی گردد، زیرا در تبعیض همیشه عامل عمده و اراده نهفته است. تبعیض وقتی تحقق می یابد که محدود کردن و مستثنی نمودن عده خاصی در جامعه، آگاهانه و تعمدی و همراه با سوء نیت باشد.

این چنین برداشتی از مفهوم تبعیض با تعریفی که در مقاله نامه های بین المللی از تبعیض به عمل آمده هماهنگی دارد. در مقاله نامه هایی که در آنها به تبعیض اشاره شده است، اراده شرط اصلی تحقق یافتن تلقی گردیده است. بدین ترتیب محدودیت ها یا استثنایایی که به علت شرایط

اجتماعی یا فرهنگی علیه عده ای از افراد ایجاد شده اند از نظر حقوقی تبعیض محسوب نمی گردد، چرا که عامل قصد و اراده در آن وجود ندارد (VanDyke, ۱۹۷۳; p۳۸۱).

بررسی وضعیت اشتغال زنان در ایران اشتغال زنان ایران در بخش های عمده اقتصادی

در جامعه ما اگر چه به دلیل وظیفه نان آوری مردان، سهم اشتغال زنان پایین تر است ولی زنان در هر سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات فعالیت می کنند. براساس جدول شماره ۲ در مناطق شهری زنان بیشتر در بخش خدمات فعالیت داشته و در مناطق روستایی در بخش صنعت و صنایع دستی حضور بیشتری دارند. ضمناً باید این نکته را در نظر داشت که بسیاری از زنان خصوصاً زنان روستایی که اکثراً در بخش کشاورزی مشغول هستند خود را خانه دار معرفی نموده و این امر علاوه بر کاسته شدن تعداد شاغلین زن موجب بروز اشکال در توزیع نسبی شاغلین در بخش ها نیز می شود.

در سال ۱۳۷۵ حدود ۴۶ درصد از زنان شاغل در بخش خدمات و ۳۴/۵ درصد در بخش صنعت و ۱۷ درصد در بخش کشاورزی بوده اند در حالیکه در سال ۱۳۵۵ بخش صنعت بیشترین تعداد زنان شاغل را به خود اختصاص داده و حدود ۵۴/۵ درصد زنان شاغل در این بخش و ۲۶/۵ درصد در بخش خدمات و ۱۹ درصد در بخش کشاورزی بوده اند.

در سال ۱۳۶۵ هم زمان با جنگ تحمیلی، وجود شرایط خاص جنگی، ضربه دیدن کارخانه جات و صنایع موجب افزایش تعداد شاغلین زن روستایی در بخش کشاورزی گشته و میزان زنان شاغل را در این بخش به حدود ۲۸ درصد ارتقاء بخشیده است و در مقابل نسبت زنان شاغل در بخش صنعت را از حدود ۵۴/۵ درصد به حدود ۲۴ درصد کاهش داده است. در سال ۱۳۷۵ مجدداً نسبت شاغلین زن در بخش کشاورزی کاهش پیدا کرده و به حدود ۱۷ درصد رسیده است. شاید بتوان گفت بخشی از این کاهش به علت افزایش درصد محصلین زن در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ است که این محصلین احتمالاً از بخش کشاورزی گرفته شده اند.

در خصوص وضعیت اشتغال زنان در بخش خدمات باید گفت که ساختار اقتصادی جامعه طوری بنیان نهاده شده که بخش خدمات بیشتر با مناطق شهری سازگاری داشته است. بر این اساس در سال ۱۳۵۵ تنها حدود ۴ درصد از زنان روستایی در بخش خدمات فعالیت می کردند در صورتی

که این نسبت در مناطق شهری حدود ۶۴ درصد بوده است. با این وصف در سال های اخیر، سیاست توسعه مناطق روستایی و رسیدگی به وضعیت بهداشتی، آموزشی، ارتباطات و سایر امکانات باعث شده بخش خدمات تا حدودی در مناطق روستایی توسعه یابد و در سال ۱۳۷۵ نسبت زنان شاغل در این بخش به حدود ۱۰ درصد برسد و در سال ۱۳۷۵ حدود ۷۳ درصد زنان شاغل در شهرها در این بخش مشغول به کار بوده اند.

جدول شماره ۲: توزیع مستخدمان کشور برحسب جنس در سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۴

سال	کل مستخدمان	مشمول			غیر مشمول		
		مرد وزن	مرد	زن	مرد وزن	مرد	زن
۱۳۶۰	۱۱۳۳۶۰۶	۷۴۲۹۹۰	۴۹۱۳۶۸	۲۵۱۶۲۲	۳۹۰۶۱۶	۳۲۷۹۶	
	۱۰۰	۶۶/۱	۳۳/۹	۱۰۰	۱۰۰	۸۳/۴	
۱۳۶۵	۱۴۳۳۹۶۶	۹۳۱۱۳۳	۶۱۳۹۴۸	۳۱۷۱۸۵	۵۰۲۸۳۳	۴۰۰۴۷۴	
	۱۰۰	۶۶/۰	۳۴/۰	۱۰۰	۱۰۰	۷۹/۶	
۱۳۷۰	۱۶۵۳۹۱۷	۱۱۹۹۱۸۱	۷۵۴۰۳۲	۴۴۵۱۴۹	۴۵۴۷۳۶	۳۸۸۰۶۷	
	۱۰۰	۶۲/۹	۳۷/۱	۱۰۰	۱۰۰	۸۵/۴	
۱۳۷۴	۱۹۵۵۰۸۳	۱۳۶۵۴۳۳	۸۳۸۵۷۶	۵۲۶۸۵۷	۵۸۹۶۵۰	۴۹۹۵۳۳	
	۱۰۰	۶۱/۴	۳۸/۶	۱۰۰	۱۰۰	۸۴/۷	

مأخذ: سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۵

زنان ایرانی به طور گسترده ای در فعالیتهای اقتصادی مشارکت دارند، در روستاها در تمام پویش های اقتصادی، حضور زنان قابل رویت و محسوس است. در شهرها نیز غالب زنان در امور اقتصادی نقش دارند و بسیاری از آنان دارای استقلال مالی هستند و در اداره امور مالی خانواده سهم و مشارکت دارند (گزارش ملی وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران).

جدول شماره ۳: جدول مربوط به توزیع نسبی جمعیت شاغل در بخش های عمده فعالیت بر حسب

مناطق به تفکیک جنس سال های ۷۵-۱۳۵۵

۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵		شرح	
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد		
۱۶/۶۸	۲۲/۹۳	۲۷/۸۶	۳۰/۱۹	۱۹/۰۴	۳۶/۷۲	کشاورزی صنعت خدمات جمع	کل کشور
۳۴/۵۰	۳۰/۱۷	۲۳/۹۷	۲۶/۳۴	۵۴/۴۷	۳۱/۳۵		
۴۵/۸۶	۴۴/۳۱	۴۸/۱۷	۴۳/۴۷	۲۶/۴۹	۳۱/۹۳		
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		
۲/۰۹	۵/۶۴	۲/۵۸	۵/۷۴	۲/۳۶	۶/۰۹	کشاورزی صنعت خدمات جمع	مناطق شهری
۲۱/۲۲	۳۴/۹۲	۱۴/۲۷	۳۲/۴۴	۳۳/۹۹	۳۹/۰۱		
۷۳/۶۵	۵۷/۵۸	۸۳/۱۵	۶۱/۸۲	۶۳/۶۵	۵۴/۹		
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		
۳۵/۰۴	۵۲/۰۳	۵۵/۸۶	۵۸/۱۷	۲۹/۱۲	۶۴/۹۹	کشاورزی صنعت خدمات جمع	مناطق روستایی
۵۱/۷۴	۲۲/۹۸	۳۴/۹۲	۱۹/۴۵	۶۶/۸۴	۲۴/۲۹		
۱۰/۳۸	۲۳/۸۱	۹/۲۲	۲۲/۳۸	۴/۰۴	۱۰/۷۲		
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		

مأخذ: سالنامه آماری نیروی انسانی، ۱۳۷۹

اشتغال زنان در بخش عمومی و خصوصی ایران

امروزه قاعده برابری افراد در اشتغال به خدمات عمومی در قوانین ایران اصل پذیرفته شده ای است هر چند که استثناهایی در این زمینه وجود دارد. در قانون کار مورخ ۱۳۶۹/۸/۲۶ که به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است طی ماده ۶ به صراحت بر اصل حقوق مساوی برای همه کارگران مرد، زن و اقلیت ها دینی و قومی تأکید شد است. علی رغم مراتب فوق هنوز شمار مستخدمان زن نسبت به مستخدمان مرد کمتر است.

بر اساس آمار رسمی تهیه شده توسط سازمان امور اداری و استخدامی کشور (سابق) تعداد کل مستخدمان کشوری در سال ۱۳۶۵ به میزان ۱۴۳۳۹۶۶ نفر بوده که از این تعداد، شمار مستخدمان زن ۴۱۹۵۴۴ نفر بوده که این عده ۲۹/۳ درصد از کل مستخدمان کشور را تشکیل داده بود. در سال ۱۳۷۴ تعداد کل مستخدمان دولت در وزارتخانه و مؤسسات مشمول قانون استخدام کشوری ۱۹۵۵۰۸۳ تن بوده و شمار مستخدمان زن نسبت به سال ۱۳۶۵ حدود ۴۷ درصد افزایش یافته و تعداد آنها به ۶۱۶۹۷۴ نفر رسیده است. بدین ترتیب نسبت آنان در میان کل مستخدمان دولت حدود ۳۱/۶ درصد بوده است.

جدول ۴: توزیع مستخدمان کشوری در وزارتخانه ها و مؤسسات مشمول و غیر مشمول قانون استخدام کشوری بر حسب جنس در سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۴.

شرح	کل مستخدمان	مستخدمان مرد	مستخدمان زن
۱۳۶۵	۱۴۳۳۹۶۶	۱۰۱۴۴۲۲	۴۱۹۵۴۴
۱۳۷۴	۱۹۵۵۰۸۳	۱۳۳۸۱۰۹	۶۱۶۹۷۴
	%۱۰۰	%۷۰/۷	%۲۹/۳
	%۱۰۰	%۶۸/۴	%۳۱/۶

مأخذ: سالنامه آماری کشور ۱۳۷۵

لازم به ذکر است که با وجود اصل برابری اشتغال به خدمت عمومی برای همه افراد اعم از زن و مرد، زنان بیشتر در وزارت خانه به کار اشتغال دارند. به موجب آمار رسمی در سال ۱۳۷۴ مجموعاً ۶۱۶۹۷۴ نفر مستخدم زن در وزارت خانه ها و مؤسسات مشمول و غیر مشمول قانون استخدام کشوری اشتغال داشته اند که از این جمعیت تعداد ۵۴۹۷۳۲ نفر زن در دو وزارت خانه آموزش و پرورش و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به خدمات عمومی اشتغال داشته اند که این تعداد برابر با ۸۹/۱ درصد از کل مستخدمان زن می باشد. بیشترین جمعیت مستخدمان زن در وزارت آموزش و پرورش به کار اشتغال داشته اند.

در سال ۱۳۷۴ شمار مستخدمان زن در این وزارتخانه ۴۵۳۷۹۷ نفر بوده است. به عبارت دیگر این وزارت خانه ۷۳/۵ درصد از مستخدمان زن را جذب خود نموده است و کمتر از ۹ درصد از کل مستخدمان زن (به تعداد ۱۶۳۱۷۷ نفر) در سایر وزارت خانه ها و مؤسسات دولتی به خدمات عمومی اشتغال داشته اند.

کمترین میزان استفاده از خدمات شغلی زنان مربوط به وزارت خانه هایی با وظایف فنی و صنعتی مانند وزارت نیرو، صنایع و امثال آنها بوده است.

تفاوت بارزی میان تعداد مستخدمان زن در بخش مشمول قانون استخدام کشوری و بخش غیر مشمول آن وجود دارد. در سال ۱۳۶۵، حدود ۳۴ درصد از مستخدمان بخش مشمول قانون استخدام کشوری زن بوده اند (از میان ۹۳۱ هزار نفر مستخدم در این بخش حدود ۳۱۷ هزار نفر زن بوده اند) در حالیکه نسبت زنان شاغل در بخش غیرمشمول از ۲۰/۴ درصد فراتر نمی رود. در دهه بعد نیز همین روند حاکم بوده است. در سال ۱۳۷۴، ۳۸/۶ درصد از مستخدمان مشمول قانون استخدام کشوری زن بوده اند، در حالیکه سهم زنان در بخش غیر مشمول تنها در حدود ۱۵/۳ درصد بوده است.

بالا بودن اشتغال زنان در بخش مشمول فقط به علت وجود اکثریت قاطع زنان در مشاغل معلمی و آموزگاری در وزارت آموزش و پرورش و نیز اشتغال آنان به مشاغل پرستاری و مامائی و غیره در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. در سال ۱۳۶۵، این دو وزارت خانه ۹۳ درصد از زنان شاغل در بخش مشمول را در خود جای داده اند. با حذف دو وزارت خانه مذکور در مجموعه اشتغال بخش مشمول، سهم اشتغال زنان به ۹/۶ درصد تنزل پیدا می کند (سالنامه آماری، ۱۳۶۶، ۷۹).

بررسی وضعیت آموزشی زنان در ایران

براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان ماه ۱۳۷۵ از ۲۵۷۶۱ هزار نفر جمعیت زنان ۶ ساله به بالای کشور ۷۴/۲ درصد باسواد بوده اند. زنان در نقاط روستایی ۴۵ درصد باسوادان و در نقاط شهری ۴۷ درصد باسوادان را تشکیل می دهند. در سال تحصیلی ۷۶-۷۵ دختران ۳۹ درصد دوره آموزش استثنایی، ۴۹ درصد دوره آمادگی ۴۷ درصد دوره ابتدایی، ۴۵ درصد دوره راهنمایی، ۴۹

درصد دوره متوسط عمومی، ۴۸ درصد دوره متوسط نظام جدید، ۵۴ درصد دوره پیش دانشگاهی، ۱/۵ درصد آموزش فنی، ۴۸ درصد آموزش حرفه ای، ۵۴ درصد پنجم ابتدایی شبانه، ۴۱ درصد عمومی شبانه (راهنمایی)، ۴۱ درصد تکمیلی شبانه (متوسطه) و ۳۶ درصد دانشجویان دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی را تشکیل داده اند.

جدول ۵: تعداد و درصد با سوادان زن و مرد شهری و روستایی کشور

درصد		تعداد			تعداد باسوادان سالهای سرشماری
زن	مرد	زن	مرد	مرد و زن	
۲۴	۷۶	۴۵۷	۱۴۵۴	۱۹۱۱	۱۳۳۵ کل کشور
۲۹	۷۱	۱۶۲۶	۲۹۰۶	۵۵۳۲	۱۳۴۵ کل کشور
۳۶	۶۴	۴۶۷۹	۸۱۹۸	۱۲۸۷۷	۱۳۵۵ کل کشور
۴۱	۵۹	۹۸۳۵	۱۴۰۷۸	۲۳۱۹۳	۱۳۶۵ کل کشور
۴۴	۶۶	۱۴۸۷۵	۱۹۰۹۱	۳۳۹۴۶	۱۳۷۰ کل کشور
۴۶	۵۴	۱۹۱۱۸	۲۲۴۶۵	۴۱۵۸۲	۱۳۷۵ کل کشور
۳۰	۷۰	۴۱۴	۹۸۲	۱۳۹۶	۱۳۳۵ نقاط شهری
۳۶	۶۴	۱۳۹۰	۲۴۴۲	۳۸۳۲	۱۳۴۵ نقاط شهری
۴۰	۶۰	۳۴۸۳	۵۱۴۵	۸۶۲۸	۱۳۵۵ نقاط شهری
۴۴	۵۶	۶۷۴۲	۸۷۶۵	۱۵۵۰۷	۱۳۶۵ نقاط شهری
۴۵	۵۵	۹۸۲۲	۱۱۹۰۳	۲۱۷۲۵	۱۳۷۰ نقاط شهری
۴۷	۵۳	۱۲۹۹۶	۱۴۸۶۱	۲۷۸۵۷	۱۳۷۵ نقاط شهری
۸	۹۲	۴۳	۴۷۱	۵۱۴	۱۳۳۵ نقاط روستایی
۱۴	۸۶	۲۳۷	۱۴۶۳	۱۷۰۰	۱۳۴۵ نقاط روستایی
۲۸	۷۲	۱۱۹۶	۳۰۵۳	۴۲۴۹	۱۳۵۵ نقاط روستایی
۳۷	۶۳	۳۰۸۴	۵۲۸۷	۸۳۷۱	۱۳۶۵ نقاط روستایی
۴۱	۵۹	۵۰۱۴	۷۱۱۴	۱۲۱۲۸	۱۳۷۰ نقاط روستایی
۴۵	۵۵	۶۰۹۶	۷۵۶۵	۱۳۶۶۱	۱۳۷۵ نقاط روستایی

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵

در سال های اخیر شوق به تحصیلات عالی در میان دختران افزایش قابل ملاحظه ای داشت است و چنانچه محدودیت های موجود نیز رفع شود ، با توجه به افزایش آگاهی های زنان جامعه به خصوص پس از انقلاب اسلامی، می توان به آینده بسیار امیدوار بود . البته برداشتن این محدودیت ها به صورت مستدل از سوی مرکز امور مشارکت زنان پیشنهاد شده است و امید می رود که با حمایت مسئولین به زودی انجام یابد .

ایجاد دبستان ها ، دبیرستان ها و هنرستان های دخترانه و سایر مراکز آموزشی مورد نیاز در سطح شهرستان ها و روستاها برای برداشتن فاصله موجود میان باسوادن زن و مرد ، بایستی در برنامه های پنج ساله بعدی مورد توجه برنامه ریزان قرار گیرد (معروفی، ۱۳۷۸، ص ۱۷).

جدول ۶: فارغ التحصیلان سطوح مختلف تحصیلی مراکز آموزش عالی بر حسب گروه عمده رشته های تحصیلی، (۷۵-۱۳۶۲).

تعداد سال و گروه عمده رشته های تحصیلی	جمع			کاردانی (فوق دیپلم)			کارشناسی (لیسانس)		
	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن
۱۳۶۲-۶۳	۱۲۸۳۱	۹۰۸۱	۳۷۵۰	۵۰۱۱	۳۷۲۳	۱۲۸۸	۶۵۶۵	۴۴۷۰	۲۰۹۵
۱۳۶۳-۶۴	۱۹۹۴۴	۱۳۲۳۰	۶۷۱۴	۵۰۸۴	۳۴۵۶	۱۶۲۸	۱۳۵۵۳	۸۹۱۵	۴۶۳۸
۱۳۶۴-۶۵	۲۸۸۶۸	۱۹۵۴۳	۹۳۲۵	۷۵۸۶	۵۰۳۹	۲۵۴۷	۱۹۳۴۶	۱۳۱۰۵	۶۲۴۱
۱۳۶۵-۶۶	۲۶۹۲۷	۱۸۴۸۸	۸۴۳۹	۱۰۰۰۰	۶۸۸۰	۳۱۲۰	۱۴۶۴۰	۹۹۲۷	۴۷۱۳
۱۳۶۶-۶۷	۲۸۶۳۷	۱۸۹۳۱	۹۷۰۶	۱۰۹۸۷	۷۳۲۱	۳۶۶۶	۱۵۰۳۴	۹۶۷۲	۵۳۶۲
۱۳۶۷-۶۸
۱۳۶۸-۶۹	۲۷۳۸۴	۲۶۶۵۰	۱۰۷۳۴	۱۳۳۵۹	۱۰۶۸۵	۲۶۷۴	۱۹۸۶۸	۱۳۰۰۸	۶۸۶۰
۱۳۶۹-۷۰	۴۲۸۵۷	۳۱۱۵۳	۱۱۷۰۴	۱۳۲۸۷	۱۱۲۴۶	۲۰۴۱	۲۴۳۷۶	۱۶۱۶۶	۸۲۱۰
۱۳۷۰-۷۱	۵۲۳۵۳	۳۵۷۷۷	۱۶۵۷۶	۱۲۸۳۶	۱۰۵۰۵	۲۳۳۱	۳۱۵۱۵	۱۹۳۷۸	۱۲۱۳۷
۱۳۷۱-۷۲	۵۹۱۹۴	۴۰۵۸۲	۱۸۶۱۲	۱۳۹۶۱	۱۱۱۰۸	۲۸۵۳	۲۷۶۳۸	۲۳۹۵۶	۱۳۶۸۲
۱۳۷۲-۷۳	۶۳۸۶۶	۴۴۳۱۳	۱۹۵۵۳	۱۵۶۴۸	۱۱۷۵۸	۳۸۹۰	۳۷۵۲۷	۲۴۸۴۷	۱۴۶۸۰
۱۳۷۳-۷۴	۷۴۱۷۰	۵۲۲۳۱	۲۱۳۹۳	۱۷۲۵۰	۱۳۰۱۶	۴۲۳۴	۴۵۲۹۱	۳۰۶۵۷	۱۴۶۳۴
۱۳۷۴-۷۵	۸۳۳۸۵	۵۶۴۴۷	۲۶۹۳۸	۲۱۵۸۲	۱۵۲۳۶	۶۲۴۶	۴۹۲۹۶	۳۱۹۳۶	۱۷۳۶۰
پزشکی	۲۴۱۸۵	۱۱۰۹۸	۱۳۰۸۷	۸۷۴۰	۳۷۲۲	۵۰۱۸	۷۵۷۱	۲۲۳۷	۵۲۳۴
علوم انسانی	۲۶۱۰۱	۱۸۱۰۳	۷۹۹۸	۱۴۰۵	۱۲۵۷	۱۴۸	۲۲۸۱۹	۱۵۲۹۷	۷۵۲۲
علوم پایه	۹۸۵۳	۵۷۸۶	۴۰۲۶۷	۸۰۸	۵۸۴	۲۲۴	۸۳۳۰	۴۶۱۱	۲۷۰۹
فنی و مهندسی	۱۷۵۶۳	۱۶۶۲۱	۹۴۲	۸۸۱۶	۸۴۲۰	۳۹۶	۷۷۲۳	۷۲۲۰	۵۱۳
کشاورزی و دامپزشکی	۴۱۹۳	۴۰۰۳	۱۹۰	۱۲۲۷	۱۱۳۹	۸۸	۲۲۳۴	۲۲۵۱	۸۳
هنر	۱۴۹۰	۸۳۶	۶۵۴	۵۸۶	۲۱۴	۳۷۲	۵۱۹	۳۲۰	۱۹۹

مأخذ: سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۵

تأثیر تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی بر آموزش زنان در ایران

همانند هر موسسه آموزشی دیگر دانشگاه آزاد اسلامی نیز نیازمند یک ارزیابی از میزان موفقیت خود در شروع تأسیس در نظر مؤسسان آن بوده است. مسلماً اهداف دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان یک نهاد آموزشی نمی تواند بی تأثیر از غایت های پرورشی کلی موجود در جامعه باشد. به ویژه آن که بنیان گذاران اصلی این نهاد آموزشی بنیان گذاران نظام جمهوری اسلامی نیز هستند، پس کاملاً طبیعی است که آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گرفته در دستور کار این نهاد نیز قرار گیرد.

از اولویت های اصلی دولت جمهوری اسلامی ایران فراهم کردن زمینه های لازم جهت مشارکت فعال زنان در صحنه های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند اول خود «ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی» او را مورد تأکید قرار داده است.

وزارت آموزش و پرورش به همراه سازمان تازه تأسیس نهضت سوادآموزی کارگسترش سواد آموزی به همه مناطق کشور و برای همه اقشار مردم و به ویژه زنان آماده کردند و هر ساله به گواهی آمار و ارقام رشد قابل ملاحظه ای را در این زمینه موجب شدند. برای نمونه درصد باسوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر در سال ۱۳۷۸ با ۳/۳ درصد رشد نسبت به سال قبل از آن به ۸/۳ درصد رسید. بر پایه آمار سال ۱۳۷۸، ۴۷/۲ درصد از دانش آموزان کشور در سال تحصیلی ۷۹-۷۸ را دختران تشکیل می دادند. هم چنین در این دوره ۶۰/۴ درصد از دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی دختر بوده اند. توزیع نسبی دانش آموختگان زن در مراکز آموزش عالی دولتی نسبت به کل دانش آموختگان مراکز آموزش عالی دولتی در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۴، ۵۲/۷۱ درصد برآورد شده است که این رقم نسبت به سال ۱۳۷۶-۱۳۷۵، ۵۵/۹ درصد و نسبت به سه دهه گذشته، ۸۴/۲۴ درصد افزایش داشته است (hamshahrionline).

به نظر می رسد در این روند دانشگاه آزاد اسلامی دارای یک نقش و جایگاه مکمل باشد. چرا که با افزایش سطح تحصیلات عمومی تقاضا برای مشارکت در تحصیلات عالی افزایش یافت و این افزایش در حالی بود که دانشگاه هایی دولتی عملاً امکان ارائه خدمات آموزش عالی به این همه متقاضی این گونه آموزش ها را نداشتند و به طور خودکار تراکم فزاینده متقاضیان ورود به دانشگاه را

به دنبال داشت. در این میان به تدریج نسبت زنان تحصیلات دانشگاهی نیز افزایش یافت و افزایش تا کنون نیز هم چنان ادامه دارد.

آمار منتشرشده نشان می دهد، از سال هزار و سیصد و هفتاد و پنج تا کنون درصد پذیرفته شدگان دختر در آزمون سراسری دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی عالی روند صعودی داشته است. توزیع نسبی دانشجویان دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی برای کلیه مقاطع دانشگاهی نشان می دهد که در سال تحصیلی ۷۸-۷۷، زنان ۴۲٪ از دانشجویان را تشکیل می دادند. ۶۰٪ از پذیرفته شدگان در کنکور سراسری در سال تحصیلی ۷۹-۷۸، دختران بوده اند. هم چنین تا سال ۱۳۷۹، نه نفر از دختران در المپیادهای جهانی شرکت نموده اند.

سهم دانشگاه آزاد اسلامی در ارتقاء این آمارها غیر قابل انکار است چرا که به شهادت آمار ذکر شده در حال حاضر ۲۲۰ واحد و مرکز دانشگاهی این دانشگاه، یک میلیون دانشجوی شاغل به تحصیل را در خود جای داده و ۱/۵ میلیون نفر تحصیلات دانشگاهی خود را در این دانشگاه به پایان رسانده اند در این میان تقریباً در تمام واحدهای این دانشگاه نسبت زنانه شاغل به تحصیل بیش از مردان است.

ارزیابی عینی این پیامدها یعنی محاسبه دقیق میزان تأثیرات مثبت دانشگاه در عین حالی که که یک شیوه ایده آل به نظر می رسد، نیازمند بررسی عملکرد حداقل ۲۵ سال سابقه کاری دانشگاه و پی گیری کیفیت زندگی هزاران فارغ التحصیل این دانشگاه و مقایسه آن با سال های قبل از تأسیس دانشگاه است. کاری که با امکانات موجود در عمل غیر ممکن به نظر می رسد و حتی در صورت عملی شدن به دلیل عدم امکان کنترل متغیرهای مزاحم بی شمار فاقد دقت و اعتبار لازم است.

از سویی دیگر عملکرد هر موسسه اجتماعی بازتابی در ذهن افراد آن جامعه دارد که این بازتاب می تواند منبع با ارزشی برای ارزیابی عملکرد آن موسسه باشد. رابرت استرنبرگ (۱۹۸۵) در مورد ارزش و اعتبار دیدگاه مردم به عنوان یک منبع اطلاعاتی از این دیدگاه حمایت می کند که یکی از جلوه های معتبر هر متغیر یا سازه نظریه پنهانی است که در ذهن مردم در مورد آن سازه شکل می گیرد. برای مثال وی توصیه می کند برای به دست آوردن بینشی در مورد سازه ای همچون هوش یک راه با ارزش پرسش در مورد هوش از مردم است (قاسمی، کلانتری، ۱۳۸۵، ص ۲۵۴).

بررسی ها نشان می دهد در مدتی که دانشگاه آزاد اسلامی پا در عرصه فرهنگ کشور نهاده است، با ایجاد تغییرات در سطح سواد، اطلاعات، قابلیت ها و باورهای مردم، شرایط مناسبتری را

برای تغییرات مثبت فرهنگی و اجتماعی فراهم ساخته است. خوشبختانه زنان جامعه ما از این تأثیرات بی نصیب نماندند. از جمله خانواده هایی که در مناطق مختلف نگرانی نسبت به ادامه تحصیل دخترانشان داشتند، معلمان و کارمندانی که به علت مشکلات خانوادگی و شغلی از ادامه تحصیل باز مانده بودند، زنان خانه داری که شوق تحصیلات دانشگاهی در وجودشان خاموش شده بود، با توسعه و گسترش دانشگاه آزاد اسلامی این امکان فراهم آمد تا با ادامه تحصیل در محل زندگی علاوه بر ارتقای سطح علمی، حقوق و مزایای آنها در سازمان ها و اداره های مختلفی که مشغول به کار بودند به میزان قابل ملاحظه ای افزایش یافته که موجب رشد در ابعاد اقتصادی خود و خانواده را فراهم نماید (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۳۶۱).

پیشنهادات

- ۱- در زنان یکی از ثمرات افزایش میزان تحصیلات، بدست آوردن شغل می باشد اگر مردان بی سواد یا کم سواد شانس یافتن مشاغل صنعتی و کشاورزی را داشته باشند زنان بی سواد یا کم سواد از این شانس محروم اند.
- ۲- معمولاً اگر در اداره یا موسسه ای نیاز به کارمند باشد بین مردان و زنان هم تراز از نظر میزان تحصیلات شانس مردان برای استخدام بیشتر است با توجه به افزایش روزافزون مردان و زنان فارغ التحصیل در مقاطع کاردانی و کارشناسی شایسته است در مقاطع تحصیلات تکمیلی راه برای ادامه تحصیل زنان هموارتر گردد.
- ۳- با توجه به بحران بیکاری در کشور، شانس مردان فارغ التحصیل دانشگاهی در صورت عدم استخدام در مراکز دولتی و خصوصی برای ایجاد شغل مستقل بسیار بیشتر از زنان در شرایط برابر است. شایسته است جدا از نگاه تفکیک جنسیتی با توجه به اهمیت داشتن سهم مستقل از درآمد خانواده توسط زنان که در این پژوهش به آن اشاره شده، جهت ایجاد مشاغل مستقل توسط زنان نیز اقدامات برابر مردان صورت گیرد.
- ۴- اصل اشتغال بر توانایی است و تفکیک جنسیتی باعث عدم شایسته سالاری در مشاغل خصوصاً مشاغل صنعتی می گردد.

۵ - مانند سایر کشورها، سطح تعداد شاغلین زن نسبت به اشغال پست های مدیریتی توسط آنان با مردان تفاوت زیادی دارد. شایسته است با توجه به توان مدیریتی زنان زمینه های لازم برای ارتقاء سطح مدیریت زنان فراهم گردد.

منابع و مأخذ

- اسدی، آذرنوش (۱۳۷۸). «نگاهی به گرمسار». تهران: پارینه.
- اطلس گیتاشناسی استانهای ایران (۱۳۸۵). تهران: موسسه گیتاشناسی.
- حسینی، زهرا (۱۳۷۵). «دانشگاه آزاد اسلامی و ارتقاء وضعیت زنان». یاسوج: دانشگاه آزاد اسلامی.
- دانایی، مصطفی (۱۳۸۴). «استان سمنان در آینه آمار-۱۳۸۳». سمنان: سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- زاوه، عمران (۱۳۷۸). «طرح جامع شهر گرمسار». سمنان: سازمان مسکن و شهرسازی.
- شریعت پناهی، سیدحسن (۱۳۷۷). «گرمسار را بهتر بشناسیم». سمنان: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علویون، سیدمحمدرضا (۱۳۸۱). «کار زنان». تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- فینگز، کیت (۱۳۸۴). «زنان و تبعیض». ترجمه اسفندیار زندپور، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قاسمی، نشواد-کلانتری جلال (۱۳۸۵). «بررسی پیامدهای آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی برای زنان». یاسوج: دانشگاه آزاد اسلامی.
- کدیور، جمیله (۱۳۸۱). «زن». تهران: انتشارات اطلاعات.
- گزارش ملی وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴). ناشر، دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری اسلامی ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹). «سالنامه آماری نیروی انسانی». تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). «سالنامه آماری کشور». تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۶). «سالنامه آماری کشور». تهران: مرکز آمار ایران.
- معروفی، پروین (۱۳۷۸). «زن و توسعه پایدار». تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- Brocas, Marie (۱۹۹۰) «Women and social security, Geneva : Inter national labor office.»
- International labor office (۱۹۸۵) «World labor Report», Geneva
- Reynold, lioyd (۱۹۸۸) «labor economics and labor relations», U. S .A : Newjersey , prentice – Hall .
- VanDyke,Vernon (۱۹۷۳) «Equality and discrimination in education» International studies quarterly.
- www. Culturesity.org